

فصل فراموش شده: بازداشت فلسطینی‌ها و کار اجباری در اردوگاه‌های اسرائیلی در طول جنگ ۱۹۴۸

جنگ ۱۹۴۸ اعراب و اسرائیل که برای فلسطینی‌ها به نام «نکبه» یا «فاجعه» شناخته می‌شود، نقطه عطفی در تاریخ خاورمیانه بود که به آوارگی بیش از ۷۰۰٬۰۰۰ فلسطینی و تأسیس دولت اسرائیل انجامید. در میان هرج و مرج اخراج روستاها و عملیات نظامی، جنبه‌ای کمتر شناخته شده پدیدار می‌شود: زندانی کردن هزاران غیرنظامی فلسطینی در اردوگاه‌های بازداشت تحت مدیریت اسرائیل. این مقاله با تکیه بر گزارش‌های محرمانه‌رُدایی شده کمیته بین‌المللی صلیب سرخ (ICRC) و تحلیل‌های تاریخی، به این پرسش‌ها می‌پردازد که چه کسانی بازداشت شدند، چه شرایط سختی را تحمل کردند، ماهیت کار اجباری تحمیل شده بر آن‌ها چه بود، و این اقدامات چگونه قانون بین‌المللی بشردوستانه موجود را نقض کرد. در حالی که روایت‌های اسرائیلی اغلب این اردوگاه‌ها را اقدامات ضروری زمان جنگ برای نگهداری جنگجویان بالقوه توجیه می‌کنند، روایت‌های فلسطینی بر سوءاستفاده‌های سیستماتیک و استثمار تأکید دارند و هزینه انسانی این درگیری را برجسته می‌سازند.

چه کسانی زندانی شدند: غیرنظامیانی که میان آتش گرفتار شدند

زندانیان این اردوگاه‌ها عمدتاً غیرنظامیان فلسطینی بودند، نه جنگجو، که در جریان لشکرکشی‌های اسرائیل برای تأمین سرزمین و ایجاد اکثریت جمعیتی یهودی اسیر شدند. تخمین‌ها نشان می‌دهد بین ۵٬۰۰۰ تا ۹٬۰۰۰ نفر در حداقل ۲۲ مکان — پنج اردوگاه رسمی اسرا/کار و تا ۱۷ اردوگاه غیررسمی — از سال ۱۹۴۸ تا اواخر ۱۹۵۵ نگهداری می‌شدند. اردوگاه‌های رسمی مانند عتلیت نزدیک حيفا، إجلیل در شمال شرق یافا، صرافند نزدیک روستای متروکه صرافند العمار، تل لیتوینسکی نزدیک تل‌آویو، و أم خالد نزدیک نتانیا، اکثر زندانیان را در خود جای می‌دادند و ظرفیتشان از چند صد تا نزدیک ۳٬۰۰۰ نفر متغیر بود. اردوگاه‌های غیررسمی به صورت بداهه در ایستگاه‌های پلیس، مدرسه‌ها یا خانه‌های روستایی، اغلب در مناطقی که طبق طرح تقسیم سازمان ملل به دولت عرب اختصاص یافته بود، برپا می‌شدند.

از نظر جمعیتی، زندانیان عمدتاً مردان سالم ۱۵ تا ۵۵ ساله بودند که «در سن جنگیدن» تلقی می‌شدند و با وجود وضعیت غیرنظامی‌شان به عنوان تهدید بالقوه رفتار می‌شدند. اما اسناد دام گسترده‌تری را نشان می‌دهند: مردان مسن بالای ۵۵ سال (حداقل ۹۰ مورد مستند)، پسران ۱۰ تا ۱۲ ساله (۷۷ نفر زیر ۱۵ سال)، بیماران (از جمله مبتلایان به سل)، و گاه زنان و کودکان. در اردوگاه‌های رسمی، ۸۲ تا ۸۵ درصد زندانیان غیرنظامی فلسطینی بودند و به مراتب از تعداد سربازان منظم عرب یا اسرای واقعی جنگ بیشتر بودند. اسارت اغلب در جریان اخراج‌های جمعی رخ می‌داد؛ مثلاً در عملیات دانی (ژوئیه ۱۹۴۸) که ۶۰٬۰۰۰ تا ۷۰٬۰۰۰ فلسطینی از لد و رمله رانده شدند و تا یک‌چهارم مردان بالغشان زندانی شدند. عملیات مشابهی در روستاهای جلیل مانند البعنه، دیر الأسد و طنطوره در جریان عملیات حیرام (اکتبر ۱۹۴۸) انجام شد.

روش‌های ربودن سیستماتیک و وحشیانه بود: مردان با استفاده از فهرست‌های مظنونان از پیش آماده‌شده از خانواده‌هایشان جدا می‌شدند، زیر آفتاب سوزان بدون آب به راه می‌افتادند، یا با کامیون تحت حفاظت سنگین منتقل می‌شدند. بسیاری بدون مدرک یا محاکمه «خرابکار» نامیده می‌شدند؛ این نشان‌دهنده سیاست بازداشت خودسرانه برای

اهداف امنیتی، کنترل جمعیتی و نیاز به نیروی کار بود. روایت‌های بازماندگان، مانند موسی از جلیل، توصیف می‌کنند که چگونه زیر اسلحه راه می‌رفتند و جوانان در حین اسارت تیرباران می‌شدند. افراد تحصیل کرده یا فعال سیاسی، به‌ویژه کسانی که در قیام ۱۹۳۶-۱۹۳۹ شرکت داشتند، با دقت بیشتری بررسی می‌شدند، هرچند برخی وابستگی‌های ایدئولوژیک (مثل کمونیست‌ها) گاه به دلیل فشار خارجی به رفتار بهتری منجر می‌شد.

واقعیت‌های سخت: شرایط داخل اردوگاه‌ها

زندگی در این اردوگاه‌ها با محرومیت و بدرفتاری همراه بود و بسیار پایین‌تر از استانداردهای بشردوستانه قرار داشت. محل اسکان شامل تأسیسات دورهٔ قیمومیت بریتانیا، چادرهای محصور در سیم خاردار و برجک‌های نگهبانی، یا ساختمان‌های نیمه‌ویران روستاهای فلسطینی بود. شلوغی شدید بود؛ ۲۰ تا ۳۰ نفر در یک چادر یا اتاق نم‌دار و نشت‌دار، که در زمستان آب زیر تشک‌های موقت (ساخته‌شده از برگ، کارتن یا تکه‌چوب) نفوذ می‌کرد. بهداشت فاجعه‌بار بود: توالت‌های سرباز، امکانات شست‌وشوی ناکافی و بهداشت ضعیف باعث شیوع بیماری‌هایی مانند سل شد. جیرهٔ غذایی ناچیز بود — ۴۰۰ تا ۷۰۰ گرم نان روزانه برای کارگران، همراه با میوه‌های فاسد، گوشت بی‌کیفیت و سبزیجات اندک — که منجر به سوءتغذیه شد. آب به شدت محدود بود و رنج را در راهپیمایی‌های اجباری و برنامهٔ روزانه تشدید می‌کرد.

مراقبت پزشکی تقریباً وجود نداشت؛ بیماران بدون درمان می‌ماندند و گروه‌های آسیب‌پذیر مانند سالمندان و کودکان بیشترین رنج را می‌بردند و برخی از سرما یا جراحات درمان‌نشده جان باختند. بدرفتاری‌ها سیستماتیک بود: کتک‌کاری، تیراندازی‌های خودسرانه با توجیه «تلاش برای فرار»، و تحقیرهایی چون بازرسی برهنهٔ اجباری در حضور ساکنان کیبوتص‌ها. امیل موئری، نمایندهٔ صلیب سرخ، در گزارش ژانویهٔ ۱۹۴۹ نوشت: «دیدن این مردم بیچاره، به‌ویژه سالخوردگان که بی‌دلیل از روستاهایشان ربوده شده و مجبورند زمستان را در چادرهای خیس و دور از خانواده بگذرانند دردناک است؛ کسانی که نتوانستند تحمل کنند، مردند». نگهبانان — از جمله افسران سابق بریتانیایی و اعضای پیشین ایرگون — رژیم ترس را اجرا می‌کردند؛ برنامهٔ روزانه شامل بازرسی، کار و تهدید بود.

کمیته بین‌المللی صلیب سرخ نقش کلیدی داشت و اردوگاه‌ها را بازدید و تخلفات را مستند می‌کرد، اما نفوذش به «اقتناع اخلاقی» محدود بود، زیرا اسرائیل اغلب درخواست‌های آزادی یا بهبود را نادیده می‌گرفت. گزارش‌ها ارزیابی‌های متفاوتی داشتند — انتقادهای اولیه از غذا و اجبار در اواخر ۱۹۴۸ به بهبود اندکی در بهداشت تبدیل شد — اما سردرگمی میان وضعیت غیرنظامی و اسیر جنگی ادامه یافت.

استثمار از طریق کار: ستون فقرات نیازهای زمان جنگ

کار اجباری هستهٔ هدف اردوگاه‌ها بود و زندانیان را برای جبران کمبود نیروی کار ناشی از بسیج یهودیان در زیرساخت نوظهور اسرائیل به کار می‌گرفت. وظایف طاقت‌فرسا و خطرناک و هر روز زیر نظارت مسلح انجام می‌شد: پاکسازی میدان‌های نبرد از اجساد، آوار و مهمات عمل‌نکرده؛ حفر سنگر و استحکامات؛ ساخت جاده (مثلاً به ایلات در نگب)؛ استخراج سنگ؛ کشاورزی سبزیجات؛ نظافت خوابگاه سربازان و توالت‌ها؛ و جابه‌جایی اموال غارت‌شده از خانه‌های ویران‌شدهٔ فلسطینی. امتناع از کار با کتک یا اعدام روبه‌رو می‌شد؛ به قول بازمانده توفیق احمد جمعه غانم: «هرکس از کار سر باز می‌زد تیرباران می‌شد. می‌گفتند سعی در فرار کرده».

شرایط کاری سختی اردوگاه را تشدید می‌کرد: کار تمام‌روز در آب‌وهوای شدید با جیرهٔ ناچیز به‌عنوان «تشویق». ژاک دو رنیه، نمایندهٔ صلیب سرخ، در ژوئیهٔ ۱۹۴۸ آن را «برده‌داری» نامید و اشاره کرد که غیرنظامیان ۱۶ تا ۵۵ ساله برای کارهای

مرتبط با ارتش زندانی شده‌اند و این نقض ممنوعیت اجبار است. شهادت‌هایی مانند مروان إقاب الیحیی از أم خالد، بریدن سنگ در معدن با غذای اندک — یک سیب‌زمینی صبح و نیمی ماهی خشک شب — همراه با تحقیرهای مکرر را توصیف می‌کند. کار فراتر از اردوگاه‌ها به مکان‌هایی مانند متسپه رامون گسترش یافت و مستقیماً به تلاش جنگی و دولت‌سازی کمک کرد.

بنی موریس، تاریخ‌نگار اسرائیلی، در کتاب **تولد دوباره مسئله آوارگان فلسطینی** به‌طور مختصر به این بازداشت‌ها اشاره می‌کند و می‌گوید فلسطینی‌های لد و رمله برای غربالگری نگهداری و تا زمان آزادی یا اخراج در کارهای کشاورزی، خانگی و پشتیبانی نظامی به کار گرفته شدند. اما او آن‌ها را اقدامات امنیتی موقت در میان هرج و مرج توصیف می‌کند و استعمار سیستماتیک را در مقایسه با منابع طرفدار فلسطین کم‌رنگ می‌سازد.

نقض قوانین بین‌المللی: تخلف آشکار

این اقدامات با قوانین بشردوستانه بین‌المللی نوظهور و عرفی، به‌ویژه کنوانسیون ژنو ۱۹۲۹ درباره اسرا و مقررات لاهه ۱۹۰۷ که بر معیارهای ۱۹۴۸ تأثیر گذاشت، در تضاد بود. ربودن خودسرانه و بازداشت نامحدود بدون اتهام، حفاظت در برابر انتقال اجباری (بعداً در ماده ۴۹ کنوانسیون چهارم ژنو) و الزام به رفتار انسانی بدون تبعیض را نقض کرد. کار اجباری، به‌ویژه وظایف نظامی مانند حفر سنگر یا خنثی‌سازی مهمات، ماده ۳۱ کنوانسیون ۱۹۲۹ را که کار کمک‌کننده به عملیات دشمن یا به خطر انداختن جان را ممنوع می‌کند، زیر پا گذاشت.

شرایط اردوگاه — غذا، بهداشت و مراقبت پزشکی نامناسب — با الزامات تأمین جیره کافی برای حفظ سلامت (ماده ۱۱ کنوانسیون ۱۹۲۹) و معاینات پزشکی ماهانه (ماده ۱۵) مغایرت داشت. کمیته بین‌المللی صلیب سرخ بارها اعتراض کرد، اما عدم پایبندی اسرائیل که از حمایت قدرت‌های غربی برخوردار بود، مداخلات را بی‌اثر کرد. چنین اعمالی از جمله به‌کارگیری غیرنظامیان در کارهای خطرناک، امروز طبق اساسنامه رم جنایت جنگی محسوب می‌شود و سایه حقوقی پایداری بر این درگیری می‌اندازد.

میراث و تأملات

بازداشت غیرنظامیان فلسطینی در سال‌های ۱۹۴۸-۱۹۵۵ همچنان جنبه‌ای کم‌بررسی‌شده از نکبه است که زیر سایه آوارگی‌های جمعی قرار گرفته. حدود ۷۸٪ زندانیان (حدود ۶۷۰۰ نفر) به‌عنوان «گروگان» در مذاکرات آتش‌بس اخراج و از بازگشت منع شدند؛ دیگران به‌تدریج آزاد شدند. این ماجرا نه تنها رنج فوری به بار آورد، بلکه به ترومای بین‌نسلی و بحران آوارگان نیز دامن زد. امروز که بحث بر سر پاسخگویی تاریخی ادامه دارد، به رسمیت شناختن این اردوگاه‌ها از طریق آرشیوهای محرمانه‌زدایی‌شده به درک کامل‌تری از ریشه‌های درگیری کمک می‌کند. با مواجهه با این تخلفات، جوامع می‌توانند به سوی آشتی مبتنی بر عدالت و هنجارهای بین‌المللی گام بردارند.

منابع

۱. ابو سته، سلمان و تری رمپل. «کمیته بین‌المللی صلیب سرخ و بازداشت غیرنظامیان فلسطینی در اردوگاه‌های اسرا/ کار اسرائیل در ۱۹۴۸». **فصلنامه مطالعات فلسطین**، شماره ۴۳، ش ۴ (۲۰۱۴): ۱۱-۳۸. موجود در: [_and_the_Detention_of_Palestinian_Civilians_in_Israel%27s_1948_POWLabor_Camps](#)

2. موریس، بنی. تولد دوباره مسئله آوارگان فلسطینی. کمبریج: انتشارات دانشگاه کمبریج، ۲۰۰۴. موجود در:
<https://www.cambridge.org/core/books/birth-of-the-palestinian-refugee-problem-revisited/8AE72A6813CEA7DDDE8F9386313F0D97>
3. کمیته بین‌المللی صلیب سرخ (ICRC). آرشیوهای محرمانه‌زدایی‌شده درباره درگیری‌های ۱۹۴۸، شامل گزارش‌های بازداشت فلسطینی‌ها. ارجاع در: <https://www.jstor.org/stable/10.1525/jps.2014.43.4.11>
4. زوخرت. «یادآوری اردوگاه‌های اسرا». بروشور، ۲۰۲۴. موجود در:
[https://www.zochrot.org/publication_articles/view/56542/en?
_Remembering_the_Prisoners_of_War_Camps](https://www.zochrot.org/publication_articles/view/56542/en?_Remembering_the_Prisoners_of_War_Camps)
5. کنوانسیون ژنو درباره رفتار با اسرا (۱۹۲۹). متن کامل: <https://ihl-databases.icrc.org/en/ihl-treaties/gc-pow-1929>
6. کنوانسیون ژنو (سوم) درباره رفتار با اسرا (۱۹۴۹). متن کامل: <https://ihl-databases.icrc.org/en/ihl-treaties/gciii-1949>
7. زمینه تاریخی نقش ICRC در ۱۹۴۸: <https://www.icrc.org/en/document/150-years-humanitarian-action-protecting-prisoners-and-detainees>
8. الاوضه. «درباره اردوگاه‌های کمتر شناخته‌شده تمرکز و کار اجباری اسرائیل در ۱۹۴۸-۱۹۵۵». ۱۹ اکتبر ۲۰۱۴. موجود در: <https://al-awdapalestine.org/2014/10/on-israels-little-known-concentration-and-labor-camps-in-1948-1955>